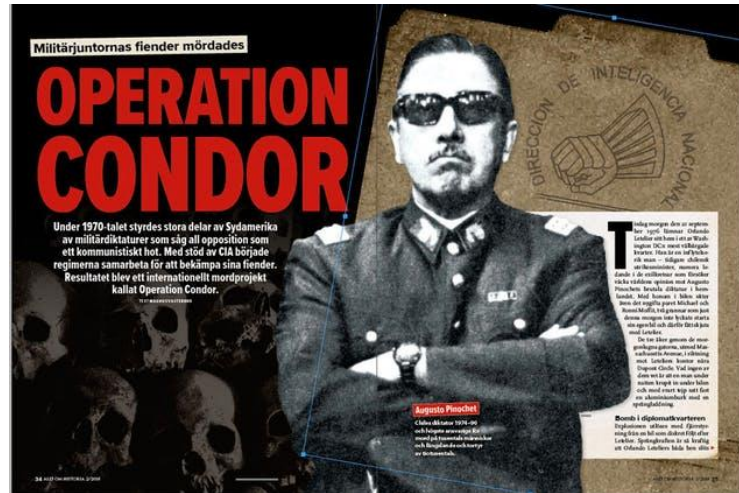


## عملیات کندور

### دشمنان زندان نظامی ترور شدند

برگردان منصور عرفان از مجله سوئدی Historia شماره 2018/2



در طول سال های 1970 کشور های زیادی در آمریکای جنوبی بوسیله نظامیان دیکتاتوری اداره می شدند که همه مخالفان را چون تهدیدی کمونیستی بررسی می کردند. رژیم های این کشورها با پشتیبانی و همکاری با سازمان سیا با دشمنان خود مبارزه می کردند.

نتیجه آن مبارزات تشکیل یک پروژه ی بین المللی قتل بود که پروژه کندور نامیده شد .

سه شنبه 21 سپتامبر 1976 اورلاندو لته لیبر Orlando Letelier خانه خود در یک محله کاملاً محافظت شده در واشنگتن دی سی را ترک می کند . او شخص با نفوذی است . قبلاً وزیر امور خارجه شیلی و اکنون رهبر تبعیدیانی بود که کوشش می کردند افکار عمومی جهان را متوجه دیکتاتوری بیرحم آگوستو پینوشه در شیلی نمایند . در اتومبیل او به غیر از خودش مایکل و رونی موفیت Ronni Moffitt که همسایه او و اخیراً ازدواج کرده ، ولی دقیقاً آن روز صبح اتومبیلشان روشن نشده بودند بوده و به همین دلیل اورلاندو آنها را به مقصد می رساند .

### انفجار بمب در منطقه دیپلماتیک



Ronni Moffitt-Orlando Letelier

در آن صبح آرام آن سه نفر در خیابان ماساچوست بطرف دفتر کار لته بیر که نزدیک میدان دوپونت است ، در حرکت بودند . چیزی که هیچکدام آنها نمی دانستند این بود که شخصی در طول شب یک قوطی آلومینیومی پر از مواد منفجره را زیر اتومبیل با نوار چسب سیاهی وصل کرده است .

انفجار بوسیله یک دستگاه انفجار از راه دور و از درون اتومبیلی که اتومبیل لتلییر را تعقیب می کرد انجام شد . شدت انفجار به حدی قوی بود که هر دو پای اورلاندو قطع شد و در همان لحظات اول جان سپرد . گردن رونی مافیت که در صندلی جلو نشسته بود بوسیله یک قطعه فلز قطع شد . و مایکل موفیت هم که عقب نشسته بود چون صندلی های جلو از او محافظت میکردند زنده ماند .

این اتفاق توجهات زیادی را بخود جلب کرد یک اتومبیل حامل مواد منفجره در محل سفارتخانه ها در واشنگتن ، در شیک ترین نقطه محله دیپلماتیک پایتخت ایالات متحده . چیزی که بیش از هر چیزی تکان دهنده بود نتیجه تحقیقات پلیس بود . بزودی مشخص شد که این انفجار بوسیله سازمان امنیت شیلی (دینا) سازماندهی شده بود . در رابطه با این موضوع شنیده شد که دولت های شیلی و ایالات متحده روابط بسیار نزدیکی با هم دارند ، و بسیاری از جاسوسان شیلیایی دوره های کار آموزی خود را در سازمان سیا می گذرانند .



## چند قتل شبیه هم

اما قتل لته بیر تنها قتلی نبود که در مورد سیاستمداران تبعیدی آمریکای جنوبی صورت گرفت . فقط چند ماه قبل رئیس جمهور سابق بولیوی در آرژانتین دزدیده شد و بعد جسد او را در محلی پیدا کردند . حتا دونفر از رهبران سیاسی مخالف آروگوئه به همین ترتیب کشته شدند . همزمان سازمان امنیت ایالات متحده و کشور های اروپائی مطلع شدند که گروه مرگ برای کشتن سد ها تبعیدی آمریکای جنوبی بایک فهرست که در بر گیرنده نام آنها بود به پاریس آمده اند . تنها شباهت بین کشتن کسانی که قبلا کشته شده بودند و کسانی که تهدید بقتل شدند ، این بود که همه آنها به روش های گوناگونی ضد دیکتاتور های نظامی که در کشور های آنها حکومت می کردند اعتراض کرده بودند . معترضان دیگری هم بودند که در روش های اعتراضی صلح طلبانه شرکت کرده بودند .

حتا دیده شد که تعدادی از سازمان های امنیتی اروپا و کشور های دیکتاتوری آمریکای جنوبی برای جستجو و کشتن پناهندگان مخالف این دول با هم همکاری می کردند . حتا مقامات سازمان سیا مدت ها از بخش هایی از هرکدام این فعالیت ها اطلاع داشتند . بتدریج همین مقامات سیا متوجه شدند پروژه ی عملیات کندور از اختیار آنها خارج شده است .

## موج اعتراضات سیاسی

برای درک این اتفاقات باید چند سالی بعقب برگردیم. در سال های 1960 موجی از اعتراضات سیاسی کشور هایی در آمریکای جنوبی و مرکزی را فرا گرفت. انقلاب کوبا الهام بخش گروه های زیادی از مردم آمریکای مرکزی و جنوبی بود که خواهان تغییرات در مورد مشکلات سیاسی و اجتماعی در کشور های خود بودند. در بعضی موارد هدف انقلاب کمونیستی بود، و در بعضی موارد رهبران مخالفین خواهان دموکراسی بودند. اما همه آنها در باره یک موضوع فکر مشترک داشتند، و آن هم از بین بردن تفاوت های طبقاتی و اجتماعی بسیار زیاد بود. در تمام این کشور ها یک اقلیت ثروتمند تمام قدرت سیاسی و نظامی را کنترل می کرد، در حالی که کثرت مردم ضروریات اولیه زندگی خود را به سختی بدست می آوردند.

در چنین جوامع غیر عادلانه ای است که موجب نیروی محرکه و خشمی می شود که منجر بقدرت بسیار زیاد مخالفان سیاسی می گردد. در شیلی سیاستمدار کاریسمایی بنام سالوادور آلنده بوسیله انتخابات آزاد بقدرت رسید، با این قول که سیستمی را بوجود آورد که خود آن را راه رسیدن شیلی به سوسیالیسم می نامید. او برنامه های رفورمیستی زیادی داشت، از آن جمله برنامه رفاه اجتماعی، ملی کردن کارخانجات و بانک ها.

## کودتا در شیلی



برنامه های آلنده باعث مخالفت شدید حکومتگران قبلی که قدرت خود را در خطر می دیدند شد. این سیاستمداران قبلی اغلب از طرف ایالات متحده که مشکوک بود که دولت آلنده از طرف کوبا و یا اتحاد جماهیر شوروی کنترل می شود پشتیبانی می شدند.

در سال 1970 کودتائی انجام شد که شکست خورد و بعد ها معلوم شد سیا آن کودتا را راه اندازی کرده بود. وقتی نظامیان شیلی در 1973 کودتای موفقی را به ثمر رساندند، ایالات متحده دخالت مستقیم خود در کودتا را رد کرد. اما در سکوت رضایت خود را از اینکه نظامیان برهبری آگوستو پینوشه قدرت را بدست گرفته بودند نشان داد.

کودتای شیلی یکی از چند مداخلات نظامی در سیاست کشور های آمریکای جنوبی در سالهای 1960 و 1970 بود. در یکایک این کشور ها ارتش با کودتا قدرت را بدست گرفت. آنهم بخاطر آنکه آن طور که خود می گفتند کشور های خود را از شر کمونیستها محافظت نمایند. و به این ترتیب دیکتاتور های نظامی بغیر از شیلی بتدریج در کشور های برزیل، بولیوی، پاراگوئه، اوروگوئه و آرژانتین قدرت را قبضه کردند.



### جرم در هر دو سو

ویژگی مشترک تمام این رژیم ها آن بود که ارتش و سازمان امنیت این کشور ها با قدرت و بی رحمی کامل مخالفین داخلی خود را سرکوب می کردند . دلیلی که دایم تکرار می کردند آن بود که با تروریسم مبارزه میکنند . چیزی که همیشه هم بی اساس نبود . در تعدادی از این کشور ها واقعا مبارزه مسلحانه بر علیه دولت وجود داشت که می گفتند برای آزادی مردم میجنگند ، که در زمان های مختلف دیده شد که خود همین سازمان های مخالف اشخاص را ترور می کردند ، می دزدیدند و یا برای ادامه مبارزه خود دزدی می کردند که این عملیات معمولی جلوه می کرد چیزی که باعث قتل مردم عادی هم می شد .

گروه های شبه نظامی چپ توجه زیادی به فیدل کاسترو و چه گوارا داشتند و ادعا می کردند که خواهان یک انقلاب اجتماعی سراسری می باشند و همین به دیکتاتوری های نظامی به طور آزادانه بهانه ای را می داد که آنها می خواستند . اما زمانی که ارتش حمله کرد ، خود را فقط به دستگیری آنهایی که مبارزه مسلحانه می کردند راضی نکردند بلکه تمام مخالفان سیاسی را سرکوبی نمودند .



در پی کودتای نظامی 1973 شیلی بسیاری از مخالفان دستگیر و بازداشت شدند

### ناپدید شدن انسان ها

ده ها هزار نفر بازداشت ، بازجوئی و شکنجه شدند . بعضی ها بعد از یک محاکمه چند دقیقه ای اعدام شدند و عدهای هم به زندان های طولانی محکوم شدند . اما چیزی که بیشتر باعث دلسردی و تضعیف روحیه شد وضعیت گمشدگان بود . این روشی بود که در خیلی از کشور ها انجام شد . کسانی بودند که بخاطر پشتیبانی از مخالفان دستگیر و به نقاط نامعلومی برده شده و هرگز صدایی از آنها شنیده نمی شد ، ولی بعد از چند ماه جسد های آنها در گورهای دسته جمعی پیدا می شد . تعداد زیادی از گمشدگان دیگر هرگز دیده نشدند .

یک روش شیطانی مخصوصی که در آرژانتین پیاده شد آن بود که گمشدگان را با هواپیما بر روی اقیانوس اتلانتیک برده و از ارتفاع زیاد آنها را بدريا می انداختند . یک مرتبه در کریسمس 1977 که تعدادی از دشمنان دیکتاتور را به دریا انداخته بودند ، امواج دریا تعداد زیادی از اجساد آنها را بسواحل جنوبی بوئنوس آیرس انداخته بود . آن روش های بیرحمانه که استفاده شد ، بعد ها جنگ کثیف نامیده شد و نشان داد موثر بود در بیشتر کشور های آمریکای جنوبی مخالفان سیاسی یا سرکوب شده و یا ترسانده و مجبور به سکوت شدند . اما یک مشکل باقی بود . بسیاری از رهبران احزاب سیاسی مخالف و یا رهبران گروه هائی که مبارزه مسلحانه می کردند وقتی متوجه تاثیر فشار و اختناقی که دیکتاتور های جدید اعمال می کردند شدند ، کشور های خود را ترک کردند . آنها به مبارزات خود از تبعید ادامه می دادند .

### ملاقات مخفی در شیلی

یکی از اهداف عملیات کندور بچنگ آوردن مخالفین در تبعید بود . این پروژه با تشکیل یک جلسه مخفی در اواخر نوامبر 1975 شروع . این جلسه در یک کاخی قدیمی در خیابان آلامدا در سانتیاگو پایتخت شیلی تشکیل شد . در این جلسه رهبران دسیسه چین و خونریز سازمان های امنیت کشور های منطقه مانند آرژانتین ، شیلی ، پاراگوئه ، اوروگوئه و بولیوی شرکت داشتند . و البته بعد ها برزیل ، اکوادور و پرو هم به این گروه پیوستند گرچه نقش کمتر فعالی در این گروه داشتند .

تحت رهبری مانوئل کنتراس رئیس پر قدرت سازمان امنیت شیلی جهت همکاریهای بین کشور های منطقه برنامه ریزی شد ، اولین قسمت این همکاریها یعنی فاز 1، تبادل اطلاعات بود .

قسمت دوم فاز 2 در برگیرنده تین بود که جاسوسان این کشور ها اجازه داشته باشند حتی خارج از مرزهای کشورهای خود هم عملیات انجام دهند . و این یعنی آنکه مامور سازمان امنیت اروگوئه اجازه داشته باشد که دشمن مورد نظر خود در بوئنوس آیرس رابدزد بدون آنکه پلیس آرژانتین حق بازداشت چنین ماموری را داشته باشد .

در مورد تمام مواد فاز 1 و 2 بزودی توافق شد و پس از بحث های طولانی دیگر حتادر مورد فاز 3 هم توافق شد . و آن هم در بر گیرنده آن بود که ماموران سازمان های امنیت این کشور ها حتا بتوانند با همکاری با کشورهای خارج از آمریکای جنوبی هم عملیات انجام دهند. تعدادی از رهبران سیاسی این کشورها آمریکای مرکزی و جنوبی را ترک کرده و به ایالات متحده و یا اروپا رفتند . مانوئل کنتراس می گفت : ما برای از بین بردن دشمنانمان تا هر جا که احتیاج باشد می رویم .

وقتی تمام برنامه ریز ها تمام شد. باید نامی هم برای این همکاری ها انتخاب شد . آنهم به خاطر پاسداشت زندان مرکزی شیلی . (کندور نام پرنده ای است در آمریکای جنوبی ) .

بزودی این نام که قبلا کسی نمی شناخت بسیار معروف شد . البته این نام نه فقط بین ماموران امنیتی که برای انجام دادن ماموریت های مخفی خود در کشورهای دیگر مانند کندور پرواز می کردند معروف شد ، بلکه حتادر سازمان سیا هم نامی شناخته شده بود .

یک همکاری خوب بین سازمان های امنیتی کشورهای منطقه که از مدتها قبل در نظر بود .

ایالات متحده عملا از از دیکتاتور ها حمایت میکرد . البته سیاستمداران کم و بیش نسبت بشرايط سختی که بوجود آمده بود بخصوص در رابطه با جرائم بر ضد حقوق بشر که اتفاق میافتاد اعتراض میکردند . اما این طور به نظر می آمد که مهمتر آن است که کشورهای دیگری در آمریکای جنوبی و مرکزی جزئی از بلوک کمونیست نشوند . یکی از رهبران چنین نظریه ای وزیر خارجه وقت ایالات متحده هنری کیسینجر بود . اما وقتی واضح شد که عملیات کندور منجر به آدم دزدی و قتل شده است ، برای رهبران سیاسی ایالات متحده بسیار سخت شد که بتوانند با چنین اتفاقاتی کنار بیایند .

## تلاش بری قتل

مدت کوتاهی بعد از منفجر کردن اتومبیل اورلاندو لتلییر و رونی موفیت در واشنگتن ، سیا به اطلاعاتی دست یافت که نشان می داد در عملیات کندور حتا برنامه های اعدام در کشورهای خارجی از آمریکای جنوبی پیش بینی شده است .

هنری کیسینجر بوسیله فرستادن نامه اعتراضی به تمام سفارت خانه های آمریکا در این کشور ها نسبت به این موضوع عکس العمل نشان داد . فکری که در پس این اعتراض نامه بود آن بود که به طور مستقیم به رژیم های این کشور ها نشان دهد ایالات متحده از چنین برنامه ای اطلاع دارد ، و تقاضا دارد چنین برنامه هائی انجام نشود .

اما بدلایلی که هنوز مشخص نیست چنین اعتراض نامه ای هرگز به دست مقامات این کشور ها نرسید .

جان دینگز که کتاب های زیادی درباره پروژه کندور نوشته آشکارا می گوید : در واقع خواست سیاسی برای متوقف کردن اجرای برنامه های کشتار انفجاری وجود نداشت .

اما مرگ لئله بیر در واشنگتن نقطه عطفی بود . بغیر از این تقریبا همزمان یک مرگ تماشائی در پاریس اتفاق افتاد . هدف از اجرای این برنامه کشتن سیاستمدار قدیمی شیلی برناردولیتون رهبر مشهور حزب دموکرات مسیحی شیلی در پاریس بود که با همسرش در تبعید، در پاریس زندگی میکرد. به هردو آنها در خیابان و از پشت تیراندازی شد ، گلوله به سرلیتون اصابت کرد ، و به همسرش هم چندین گلوله شلیک شد . اما هردو آنها بطور معجزه آسائی از مرگ نجات یافتند . این عملیات انفجاری نشان داد که عملیات کندور آن چنان منحط است که دنیا نمی تواند چنین اعمالی را بپذیرد .

در یک جلسه در واشنگتن که همه روسای سازمان های امنیت کشور های عضو عملیات کندور در آن شرکت داشتند ، نماینده شیلی بخاطر عملیات سازمان امنیت کشورش در پاریس عذر خواهی کرد .



دیکتاتور شیلی آگوست پینوشه حمایت سیاسی مهمی از وزیر امور خارجه آمریکا هنری کیسنجر دریافت کرد.

پس از فشار سیاسی سیا و سازمان امنیت فرانسه ، اجرای برنامه فاز 3 کنار گذاشته شد .

اما قسمت های دیگر برنامه ، مانند تحت نظر گرفتن مخالفین ، همچنین قتل و دزدیدن آنها در کشور های مختلف آمریکای جنوبی میتوانست ادامه داشته باشد . ارتش و سازمان امنیت ایالات متحده نظارت بر فعالیت این کشور ها علیه سازمانهای چپ را بخاطر آنکه مانع بقدرت رسیدن آنها شود ضروری میدانست .

### اعتراضاتی که نظامیان را سرنگون کرد

زمانی که دیکتاتورهای نظامی بخاطر اعتراضات گسترده مردمی که در سالهای 1980 شروع شد سرنگون شدند ، کل برنامه کندور هم کاملا منحل شد .

تاریخ بطور غیرمنتظره ای ورق خورد . چند سال بعد نشان داد مسئولین آن قتل ها ، آدم دزدی ها و شکنجه هائی که تحت نام عملیات کندور انجام شد در یک موقعیت خوب در مقابل دادگاه قرار گرفتند.

در خیلی از آن کشورها قوانین سخاوتمندانه ای برای عفو بخاطر گذر به دموکراسی تصویب شد . این قوانین کوششی بود بر اینکه آن کسانی که در اختناق شرکت داشتند بخاطر جرایمی که مرتکب شده بودند در مقابل دادگاه قرار نگیرند و این همان فرضیه ای بود که دیکتاتورها بر مبنای آن قدرت خود را واگذار نمایند .

## محکومیت بخاطر جرم در خارج از کشور

اما بعدها نشان داده شد که این قوانین قبل از هر چیز باین دلیل تصویب شد که مانع دادگاهی شدن آن دیکتاتورها بخاطر جرائمی که در داخل کشور خود مرتکب شده بودند شود .

اما آنها باید بدلیل جرائمی که در خارج از کشورهای خود مرتکب شده بودند دادگاهی می شدند و این موضوع در بر گیرنده آن بود که در سال 2010 دادگاهی در بوئنوس آیرس تشکیل شد که در آن دیکتاتور آرژانتین رینالدو بیگنون و 14 افسر دیگر که مشکوک به ارتکاب جرایمی که در رابطه با عملیات کندور بود و در خارج از مرزهای کشور های خود شده بودند در مقابل دادگاه قرار گرفتند .

بیگنون به 20 سال زندان محکوم شد . چیزی که بهر حال کمی از آن همه قتل ها و اختناقی که در طول سال های خونین دهه 1970 که سالهای کندور نامیده میشود ، مرتکب شده بود را جبران کرد .

### بچه ها بوسیله نظامیان دزدیده میشدند

بر مبنای اسناد و مدارک موجود زمانی که مادرانی زندانی می شدند فرزندان کوچک آنها را به افسران ارتش و یا سازمان امنیت می دادند . یک چنین اتفاقی برای سارا مندز پیش آمد . او یک معلم فعال سیاسی بود که در سال 1973 به آرژانتین تبعید شد . در سال 1976 وقتی که او پسر خود سیمون را زائید ، تحت نام عملیات کندور دستگیر و بزدانی که محل شرکتی بنام اتو موتور ارتی بوئنوس آیرس بود منتقل و در آنجا شکنجه شد . پسر او را به خانواده یک پلیس دادند . پس از 26 سال ان پسرواقعیت را فهمید و مادر و فرزند بهم رسیدند .

یکی از قربانیان سال های 1970 در آمریکای جنوبی که بسیار مورد توجه قرار گرفت دختر 17 یال های بود بنام داگمار هاگلین . در 27 ژانویه 1977 او را ربوده و بقتل رساندند . در سال 2011 ارتشی سابق آلفردو آستیس بخاطر این قتل به حبس ابد محکوم شد .

### آرشیو ها ترورها را آشکار کردند

در سال 1992 مارتین آلمادا فعال حقوق بشری اهل پاراگوئه که خودش هم در سال های 1970 شکنجه شده بود ، چیزی خیره کننده که تا آن زمان کشف نشده بود پیدا کرد . پشت در قفل شده ای در یک ایستگاه پلیس خارج از شهر آسونسیون پایتخت پاراگوئه ، آرشیو بسیار بزرگی پیدا کرد که در بر گیرنده 593000 مدرک که نشان دهنده مکاتبات بین سازمان امنیت کشورهای عضو کندور بود . در بین آنها لیست هائی بود درباره زندانیانی که دزدیده و یا گمشده بودند که برویشان مهر محرمانه زده شده بود . و باین ترتیب حقیقت در باره پروژه کندوریکبارو برای همیشه آشکار شد .

### هزاران نفر گمشده و کشته شدند

آن دیکتاتورهای نظامی در آمریکای جنوبی و مرکزی مسئول قتل هزاران نفر در کشور های خود بودند . فقط در آرژانتین بین سال های 1976 / 82 ، 20000 نفر گمشده و بقتل رسیدند .

در چهار چوب عملیات کندور بر اساس آمار یونسکو 376 نفر ربوده شدند . 177 نفر اهل اوروگوئه ، 72 نفر اهل آرژانتین ، 64 نفر اهل شیلی ، 25 نفر اهل پاراگوئه ، 15 نفر اهل پرو ، 12 نفر اهل بلیوی ، 5 نفر اهل برزیل ، 3 نفر اهل کوبا ، 2 نفر اهل ایالات متحده ، و 1 نفر اسپانیائی . در این سیستم هفت زندان مخفی هم بود که زندانیان را در آنها بارجوئی و شکنجه می دادند .





در سال 1977 سازمان مادران پلازا د مایو mothers on Plaza de Mayo در آرژانتین تاسیس شد . هدف از تاسیس این سازمان جستجو و پی جویی برای فرزندان گمشده بود .